

اتحاد ملی و انسجام اسلامی از منظر آیات، احادیث و روایات اسلامی

روح‌اله ترکی^۱

چکیده

اسلام بعنوان کامل‌ترین دین الهی همواره بر بکارگرفتن اندیشه‌های روشنگرانه و آگاهی‌بخش و همچنین بیان حقایق تاکید داشته و یکی از راه‌های رسیدن به اتحاد و محبت و مهرورزی به یکدیگر را در این امور می‌داند. از جمله عوامل خارجی و درونی اتحاد و انسجام، اموری هستند که مشخصاً در قرآن ذکر شده است. بطور مثال در جای جای قرآن کریم، انسان‌ها امت واحد خوانده شده‌اند که این امر دلالت بر اهمیت اتحاد و همبستگی دارد. قرآن، موضوع پذیرش کامل دین اسلام را بعنوان یک عامل مهم و حیاتی اتحاد و انسجام بر می‌شمارد و در مقابل، عدم پیوستگی درونی انسان‌ها را جزء اصلی‌ترین موانع اتحاد و انسجام می‌داند. پژوهش حاضر با هدف بررسی آیات و روایات اسلامی در خصوص اتحاد و انسجام اسلامی و آثار و پیامدهای وجود وحدت اسلامی در میان امت مسلمان، انجام گرفته است. رویکرد در پیش گرفته شده مبتنی بر بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است که در آن منابع موردنظر مورد کاوش قرار گرفته تا یافته‌های تحقیق که حکایت از اهمیت بسیار بالای اتحاد و انسجام اسلامی داشت، بدست آید.

واژگان کلیدی: اتحاد ملی، انسجام اسلامی، آیات و روایات اسلامی

^۱ کارشناسی‌ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) r.torki3@gmail.com

مقدمه

واژگان وحدت، اتحاد و انسجام همگی در لغت به معنای یکی شدن، یکرنگی، همبستگی، همگرایی، یکدلی و حرکت در یک مسیر واحد در جهت رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد. نقطه مقابل وحدت، اتحاد و انسجام در این معنا، مفاهیمی از قبیل کثرت، پراکندگی، اختلاف، تفرقه و نظایر آن می‌باشد. در قرآن کریم، آیات زیادی می‌توان یافت که در آنها به این مساله تحت مفاهیمی همچون "واعتصموا، تعاونوا، اصلحوا، اصلاح بین الناس، الف بینهم، امه واحده، امه وسط، حزب اله، صبغه اله و اخوه" اشاره شده است. حقیقت مطلب این است که وحدت، تپش هماهنگ قلبهاست و آهنگ حرکت دست‌ها. وحدت اسلامی تنها عامل اصلی و بنیادین اقتدار اسلام در برابر کفر و نفاق و اختلاف است، بزرگترین آفت امید دشمنان عزت و استقلال مسلمین است. آرمان و امید همه دوستان عظمت اسلامی است. جدایی و تفرقه، آرزوی شوم دشمنان دیرینه اسلام و مسلمین است. وحدت، کشتی نوح است و تفرقه، تازیانه عذاب الهی.

در قرآن کریم وحدت در چند مفهوم معرفی شده است. ۱- وحدت در سطح جهانی که در آن تمام انسان‌ها موجوداتی یکسان و برابر هستند و هیچگونه امتیاز و برتری ذاتی با یکدیگر ندارند. در حقیقت، قرآن کریم به اصالت وجودی بشر اشاره دارد و در سوره حجرات آیه شریفه ۱۳ می‌فرماید: "يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ". ۲- وحدت در میان صاحبان ادیان الهی که در آن محور وحدت از دیدگاه قرآن، توحید و در مرتبه دیگر دین اسلام معرفی شده است. قرآن کریم، پیامبر را به سوی اهل کتاب می‌فرستد و از آنان برای پیوستن به شعار توحید و جدایی از غیر او دعوت می‌کند. در واقع این نوع وحدت بین ما و سایر ادیان الهی در محوریت توحید و دوری از شرک، یکسان است. بعنوان مثال در سوره آل عمران آیه شریفه ۶۴ می‌فرماید: "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ لَأَنْعَبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلا نَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا...". ۳- برابر سوره انبیاء آیه شریفه ۹۲، "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ: این (پیامبران بزرگ و پیروان‌شان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید." وحدت و انسجام مسلمانان یا امت اسلامی، سومین مفهوم وحدت است که در آن به هم پیوستگی در راستای باور و ایمان به توحید و سایر مسائل اصلی مکتب اسلام مورد تاکید است وحدتی که بیش از هر چیز دیگر مورد تأکید حضرت امام (ره) و همچنین امام خامنه‌ای بوده و هست. ۴- وحدت ملی یا انسجام آحاد ملت در سطح کشور، آخرین مفهوم وحدت است که موضوع اصلی و بنیادین این نوع وحدت مربوط به اشتراکات خاص ملی چون فرهنگ، زبان، نژاد و تاریخ می‌باشد. این مفهوم وحدت، در برگیرنده مصلحت ملی است که برای حفظ انقلاب اسلامی در چارچوب مرزهای ایران موثر است و همواره مورد تاکید حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده و همچنان است. برای مثال، مقام معظم رهبری در گوشه‌ای از فرمایشات خود می‌فرماید: "همه ملت رشید ایران، مخصوصاً آنانکه سخن و

عمل‌شان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرصوص ساخته، با وحدت و همکاری و با گام‌های استوار، به سوی اهداف عالی‌ه اسلام قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین گرفته را که مترصد فرصت‌اند مأیوس سازند."

حال باتوجه به موارد ذکر شده فوق، این پرسش مطرح می‌شود که راه‌های تقویت اتحاد و انسجام در سطوح ملی و امت‌های اسلامی چیست؟ و در صورت عدم وجود اتحاد و انسجام در سطوح مذکور، عواقب و نتایج منفی حاصله از آن چه خواهد بود؟ و چه راهکاری توسط قرآن کریم، امامان معصوم، احادیث و روایات برای مقابله با آن مطرح شده است؟

راهکارها و الزامات تقویت اتحاد ملی

باتوجه به مفهوم وحدت و لزوم حفظ و تقویت آن در میان جوامع بشری و اسلامی به منظور جلوگیری از نفوذ و رخنه دشمنان، ذکر چند مورد از الزامات و راهکارهای تقویت وحدت و اتحاد ملی از منظر آیات قرآن، پیامبر اکرم، و نگاه جامعه‌شناختی ضروری است. در ذیل به این راهکارها اشاره شده است.

۱- تمسک جستن به حبل‌اله

از منظر قرآن مجید، تمسک به حبل‌اله نماد وحدت می‌باشد. حال که حبل‌اله محور وحدت بین مسلمانان است، باید دانست که مراد از حبل‌اله چیست؟ یکی از بارزترین خصوصیات حبل‌اله آن است که مسلمانان را از گمراهی نجات داده و آنان را به راه راست رهنمون می‌شود. کسی که به حبل‌اله متمسک شود، گمراه نخواهد شد. برابر سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه ۱۰۳ "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ"؛ چنگ زدن به ریسمان الهی یا همان قرآن و اسلام سبب ایجاد الفت و اخوت میان برادران مسلمان شده و در نهایت مانع گمراهی می‌شود. نکته قابل توجه دیگر حدیث ثقلین است که در آن پیامبر اکرم (ص)، قرآن و عترت را با هم باعث هدایت می‌داند. یعنی تمسک به هرکدام از این دو بدون دیگری کامل نیست و باعث هدایت نخواهد بود (مفید، ۱۴۱۱: ۵۴۷).

۲- تولی و تبری

این دو اصل که از جمله اصول عمده سیاست داخلی و خارجی اسلام محسوب می‌شوند، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه بین مسلمانان برعهده دارند. بطور مثال خداوند متعال در سوره مبارکه ممتحنه آیه شریفه ۴ "قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا

تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ مردم را به بیزاری جستن از شرک و کفر امر می‌کند و در جای دیگر در سوره مائده آیه شریفه ۵۶ می‌فرماید: "و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزاند؛ زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است."

۳- صله ارحام

از جمله نکات مهم و برجسته در آیات قرآن کریم که نسبت به آن توجه ویژه‌ای شده است، صله رحم می‌باشد. در حقیقت همبستگی خانوادگی منجر به همبستگی اجتماعی و در سطح وسیع‌تر همبستگی و اتحاد ملی می‌گردد. در بسیاری از آیات قرآن کریم به این امر توصیه اکید شده است. بطور مثال در سوره نساء آیه ۱، سوره رعد آیات ۲۱ و ۲۲، سوره محمد آیات ۲۲ و ۲۳ از کسانی که صله رحم را بجا می‌آورند بعنوان عاقل و مومن و از کسانی که از محبت خویشاوندان، پدر و مادر و اهل ایمان دوری می‌کنند و از صله رحم دوری می‌کنند، بعنوان منافق یاد شده است.

۴- بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی

این نهادها به لحاظ جامعه‌شناختی، نقشی اساسی در تحکیم و تقویت اتحاد ملی دارند. ایجاد شرایط متعادل در سطح ملی و یا بالعکس ایجاد وضعیت معارض از جمله پیامدهای فعالیت‌های مفید و یا ناکارآمد این بنیان‌های اجتماعی است. پس بنابراین هر چقدر این بنیان‌ها، مستحکم‌تر و قوی‌تر شوند، به همان میزان اتحاد ملی نیز گسترش خواهد یافت. یکی از این بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی، خانواده است. دشمنان اسلام همواره سعی بر آن داشته‌اند تا با تضعیف پایه‌های خانواده‌های اسلامی بر بدنه اتحاد ملی ضربه زده و سبب ایجاد شکاف در میان آحاد مردم شوند. البته ناگفته نماند که روند توسعه اجتماعی و بروز گوناگونی‌ها و تفاوت سلیقه‌ها مزید بر علت می‌شوند و به ایجاد سریع‌تر این شکاف کمک می‌کنند. از اینرو، نقش قرآن، احادیث، آموزه‌های دینی، عالمان و صاحبان اندیشه بیش از پیش نمایان می‌شود تا با تبدیل تفاوت‌ها و تمایزات به تفارق و یکسانی مانع بروز هرگونه شکاف در خانواده‌ها و جوامع اسلامی شوند (هاشمی و پور امین‌زاد، ۱۳۹۰: ۱۷).

۵- رهبری

رهبر در جامعه اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی حرکت‌های مردمی برعهده دارد. با نگاهی به تاریخ اسلام در می‌یابیم که پیامبر اسلام از همان آغاز، درس اتحاد و همبستگی را به یاران خویش می‌داده و لزوم

اخوت و برادری به معنای واقعی را برای آنها تبیین می‌کرده‌اند. اتحاد و همبستگی میان رهبری جامعه و آحاد مردم از جمله عوامل موفقیت مسلمانان بوده است (بخشی، ۱۳۹۱).

۶- هویت اجتماعی

نکته مسلم و قطعی آن است که بنیاد و اساس اتحاد ملی را تصویر هر فرد از خود و دیگران تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، هویت اجتماعی مبنای وفاق ملی است و اگر به هر دلیلی این هویت خدشه‌دار گردد، می‌توان پیش‌بینی نمود که اتحاد ملی متزلزل خواهد شد (همان).

۷- همبستگی اجتماعی

ناشی از وفاداری، علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک در میان آحاد مردم است. همبستگی اجتماعی در حقیقت یک احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه محسوب می‌شود که از آگاهی و اراده برخوردار هستند که سبب شکل‌گیری پیوندهای انسانی و برادری بین آنها می‌شود. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که برپایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و بطور متقابل نیازمند یکدیگر هستند.

۱۶۷

۸- مشارکت عمومی

مشارکت عبارت است از قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده برای رسیدن به یک هدف خاص. به عبارتی دیگر شرکت همراه با اختیار در یک عمل جمعی توأم با تعهد بر مبنای استفاده از اطلاعات و فرصت‌ها می‌باشد. توافق اذهان و داشتن اعتقادات واحد از جمله عوامل شکل‌گیری این نوع مشارکت می‌باشد. از جمله مصادیق همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی می‌توان به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای جهان علی‌الخصوص کشور جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. از جمله آثار و پیامدهای همبستگی اجتماعی و مشارکت‌های عمومی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کارآمدی و تثبیت نظام سیاسی، تقویت روحیه تعاون و همکاری، دشمن‌ستیزی و دشمن‌زدایی، آبادانی و امنیت اجتماعی و استقلال و عزت اسلامی (بی‌نا، ۱۳۸۴).

اهمیت تقویت و تحکیم وحدت و اتحاد ملی

نکته برجسته دیگر، اهمیت تقویت وحدت و اتحاد ملی است که همواره چه در جوامع و ملت‌های مسلمان و چه در جوامع غیرمسلمان، بر آن تأکید شده است. مهمترین هدف ائمه معصومین (ع)، وحدت مسلمانان و

دوری آنان از تفرقه و منازعات سیاسی-اجتماعی دین براندازانه بوده است. بررسی حیات فکری و سیاسی امامان شیعه در طول تاریخ بیانگر این واقعیت مهم است که همه اقدام‌ها، قیام‌ها، تعلیم‌ها و هدایت‌های امامان معصوم (ع) برای حفظ اسلام اصیل و جلوگیری از بدعت و تحریف در دین و پیشگیری از تشتت فکری و اعتقادی و تفرقه در بین امت اسلامی بوده است؛ این خط مشی و وظیفه سترگ را همه امامان شیعه به خوبی برعهده گرفته و به ثمر رسانده‌اند و در شرایط کنونی وظیفه همه فقها و علمای فرق اسلامی این است که این خط سیر را ادامه داده تا جلوی تفرق و تشتت فکری و نیز اضمحلال و فروپاشی جوامع اسلامی گرفته شود (بی‌نا، ۱۳۹۵). باز هم اشاره به این نکته ضروری است که پیامبر اکرم (ص)، امامان معصوم، کتب مشهور اسلامی، شخصیت‌های برجسته علمی مذهبی، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به این نکته همواره توجه داشته و به تقویت وحدت ملی توصیه و سفارش کرده‌اند. آنچه که در ذیل آمده است گوشه کوچکی است از دریای عظیم و بیکران سخنان گوهربار مربوط به اتحاد و وحدت مسلمانان جهان.

۱- وحدت در کلام رسول خدا

با مطالعه سیره پیامبر این نکته به روشنی آشکار می‌گردد که ایشان همواره مسلمانان را به اتحاد و همبستگی و دوری از هم گسیختگی فرا می‌خواندند. کارنامه درخشان پیامبر اکرم (ص) سرشار از تلاش‌ها و فعالیت‌های دقیق و عمیق فراوانی است که سعی برای هموار ساختن راه‌های ایجاد وحدت و پیوستگی میان مسلمانان داشته است. آن حضرت تعصبات قومی و نژادی را مانعی بزرگ در برابر اتحاد مسلمانان می‌دانستند و تلاش می‌کردند تا با اندیشه و علم و عمل با آن مقابله کنند و همیشه مسلمانان و امت خویش را به وحدت و برادری و عزت و مودت فرا می‌خواندند. در نگاه و اندیشه ژرف پیامبر، "ایمان به خدا" درون‌مایه و عامل اصلی وحدت و اتحاد بین مسلمانان از هر قوم و نژاد و ملیت، یاد شده است. به همین دلیل خالص و ناب شدن ایمان‌ها و باورها از جمله اهداف اصلی ایشان بوده و معتقد بودند که با افزایش یافتن این خلوص و صفا، آنچه که رو به فزونی می‌رود مهرها و مودت‌ها و محبت‌ها خواهند بود که در پی آن دل‌ها به هم می‌پیوندند و به وحدت و صمیمیت و اتحاد می‌رسند (علی بن حسام، ۹۷۷: ۱۷۷).

رسول خدا همچنین در مناسبت‌های مختلف موضوع حیاتی وحدت را مکرراً گوشزد کرده‌اند؛ از آن جمله فرمودند: "إنَّ اللهَ تعالى رضى لكم ثلاثاً و كره لكم ثلاثاً رضى لكم ان لاتعبدوا الا الله و لاتشركوا به شيئاً و أن تعتصموا بحبل الله جميعاً و لاتفرقوا و ان تسمعوا و تطيعوا و أن تنصحو الله من ولی أمرکم و كره لكم قیل و قال و كثره السؤال و اصاعه المال: خداوند برای شما سه چیز را پسندیده و سه چیز را مکروه دانسته است، برای شما رضایت داده که پرستش نکنید مگر خدا را، هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و اینکه به ریسمان

خدا چنگ زنی و متفرق نشوید و اینکه خیرخواه کسی باشید که خداوند او را بر شما ولایت داده است و برای شما قیل و قال را و زیادی پرسش و از بین بردن مال را مکروه دانسته است" (همان، ۸۲۸).

در جای دیگر می‌فرماید: "الجماعتُ الرَّحْمَةُ وَ الْفِرْقَةُ الْعَذَابُ: وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است" (همان، ۲۲۴۲). و یا "وَلَا تَخْتَلَفُوا فَإِنَّ مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا: اختلاف نکنید (و از آن دوری کنید)؛ زیرا آنانکه پیش از شما اختلاف کرده‌اند، هلاک شدند" (همان، ۱۷۷). در روایتی دیگر می‌فرماید: "الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشِيدُ بَعْضُهُ بَعْضًا: افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان‌اند که هر جزء، جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد" (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۵۰). و نیز فرمودند: "الْمُؤْمِنُونَ كَالنَّفْسِ الْوَاحِدَةِ: مؤمنان همچون یک روح‌اند". همچنین فرمودند: "مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى: مثل افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر، همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود" (همان، ۲۳۶). فرمان وحدت از طرف رسول خدا بدینگونه به امت اسلام صادر شده است: "إِسْمَعُوا وَ اطِيعُوا لِمَنْ وَاوَاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ: از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش بفرمان باشید زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است".

۲- وحدت از منظر نهج البلاغه

حضرت علی (ع) بعنوان پرچمدار اصلی ایجاد وحدت و انسجام میان مسلمانان، در دوران حکومت‌شان بارها اعلام کردند که نقد حکومت و حتی مخالفت با آن تا آنجا پذیرفتنی است که باعث شکست اتحاد ملی نشود. آن حضرت می‌فرماید: "من تا روزی مخالفت را برمی‌تابم که به صفوف به هم پیوسته اتحاد مردم لطمه‌ای وارد نشود و تشتت در جامعه ایجاد نشود. اگر آنان به رأی سست و بی‌پایه خود اصرار ورزند و به هدف‌شان برسند و بتوانند مردم را گروه گروه کنند، آن روز نظم عمومی به هم می‌خورد و پایه‌های نظام سست می‌شود و جامعه به عقب برمی‌گردد و این آن چیزی نیست که بتوان آن را تحمل کرد" (دشتی، ۱۳۸۶).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: "از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت‌های پیش از شما آمد، بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید، همان کاری را عهده‌دار شوید که عزیزشان کرد ... و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید ..." (همان، ۲۸۰). امیرالمومنین در این خطبه به موضوعات مختلفی اشاره کرده‌اند. از جمله مهمترین آنها علل پیروزی و شکست ملت‌هاست. از دیدگاه آن حضرت از جمله عوامل اصلی شکست ملت‌ها می‌توان به تفرقه، کینه‌توزی، دشمنی و یاری نکردن همدیگر، اشاره کرد. بنابراین اگر در جامعه‌ای این مشکلات رخنه کند، تباهی آن جامعه حتمی خواهد بود.

آثار وحدت در این کلام امیر بخوبی قابل درک و مشاهده است: "... فانظروا كيف كانوا حيث كانت الاملاء مجتمعاً و الاهواء مؤتلفه و القلوب معتدله و الايدي مترادفه، و السيوف متنصره و البصائر نافذة و العزائم واحده ألم يكونوا أرباباً في أقطار الأرضين و ملوكاً على رقاب العالمين: پس بنگرید، چگونه بودند «قوم بنی اسرائیل» زمانی که جمعیت‌ها گرد آمده، و اندیشه‌ها با هم و دل‌ها یکسان و دست‌ها یاور هم و شمشیرها کمک یکدیگر و بینش‌ها ژرف و تصمیمات یکی بود، آیا در اطراف زمین «شهرها»، بزرگ و بر همه جهانیان حاکم نبودند؟» (همان، ۲۸۱). در حقیقت اهتمام به اتحاد و همبستگی بین مسلمین به وفور در سیره کلامی و عملی امامان معصوم (ع) دیده می‌شود. اوج این موضوع را در دوران امیرالمومنین (ع) و در رفتار حضرت شاهدیم تا جائیکه برای حفظ اسلام و اتحاد مسلمین از بزرگ‌ترین حق خود یعنی خلافت گذشتند. این رفتار را سایر اهل عترت (ع) در دوران‌های مختلف ادامه دادند.

۳- جایگاه قیام امام حسین (ع) در مسأله وحدت امت اسلام

باید گفت ماجرای قیام امام حسین (ع) در شرایطی صورت گرفت که واقعاً اسلام در مسیری رو به زوال پیش می‌رفت و جز پوسته‌ای باقی نمانده بود تا بخواهد وحدتی صورت بگیرد و حاکمان ظلم و جور زمانه به شدت مردم را به ستوه آورده بودند و فسق‌شان علنی شده بود، بنابراین راهی جز قیام باقی نمانده بود؛ باید ذبح عظیمی صورت می‌گرفت تا از یکطرف خیانت فتنه‌گران برای امت اسلام هویدا شود و از طرف دیگر سبب حرکت مردم به سمت رشد و تعالی شود. حضرت ضمن بیان علت قیام خود فرمودند: "إِنِّي لَمْ أُخْرَجْ أُشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي: من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدّم از وطن خارج شدم." این فراز از کلام حضرت از یکسو نشان دهنده عمق فاجعه و فتنه در امت اسلام و از سوی دیگر گویای درمان این فتنه است که باید با قیام امام حسین (ع) برای اصلاح آن صورت بگیرد.

لذا می‌بینیم بعد از واقعه عاشورا و شهادت اباعبداله الحسین (ع) و اصحاب ایشان، بسیاری از مسلمانان مسیر خود را اصلاح کردند و در قالب جنبش‌های مختلف سیر نزولی معرفتی را متوقف کرده و به سمت حرکت‌های اصلاحی و معرفتی روی آوردند تا جائیکه تبعات قیام امام حسین (ع) تاکنون ادامه دارد؛ با قاطعیت می‌توان گفت اگر امام حسین (ع) قیام نمی‌کردند تاکنون اثری از دین اسلام روی زمین باقی نمانده بود.

اما درباره نقش امام حسین (ع) در ایجاد وحدت بین مسلمانان باید گفت اثر وحدت‌ساز امام حسین (ع) را نباید در دوران ایشان مورد بررسی قرار داد بلکه این اثر را باید در آینده بشریت جستجو کرد. از مهمترین جلوه‌های وحدت‌ساز امام حسین (ع) را هر سال در ماجرای پیاده‌روی اربعین حسینی شاهد هستیم، همان‌جائیکه افراد از فرق و مذاهب مختلف و با یک هدف واحد به سمت نابودی کفر و ظلم و تحقق تمدن الهی

حرکت می‌کنند. در این جریان الهی نه تنها اوج وحدت مسلمین بلکه اوج وحدت بین‌الادیانی را شاهد هستیم و این مسأله جز معجزه خداوندی به واسطه نور حسینی (ع) نمی‌تواند باشد (عبداله، ۱۳۲۴: ۱۰۷۹).

۴- اهل بیت محور وحدت امت اسلامی

نقش اهل بیت (ع) در حفظ و صیانت دین اسلام و صیانت از اصول اساسی آن در مقابل تحریفاتی که در طول تاریخ اعمال می‌شده، بسیار حائز اهمیت است، به ویژه که بسیاری از بزرگان صحابه و ائمه سایر مذاهب اسلامی احترام ویژه و فوق‌العاده‌ای برای اهل بیت قائل بودند و محبت خاصی نسبت به آنان داشتند. بطوریکه در طول تاریخ اسلام شاهد کرنش بسیاری از صحابه و تابعین نسبت به اهل بیت می‌باشیم و حتی برخی مسائل سیاسی و حاکمیتی نیز مانع بروز این علاقه و اطمینان نبوده است. بنحویکه سخنانی از آنها درباره جایگاه و مقام والای اهل بیت نقل شده که موجب حیرت می‌گردد.

قال الباقر (ع): "یا معشر المؤمنین تألفوا و تعاطفوا: هان ای گروه مومنان، مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید" (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۴۵). در جای دیگر امام محمدباقر (ع) وحدت را مایه پیوند روحی میان مسلمانان می‌داند: "إن الله عزو جل خلق المؤمنین من طینة الجنان و أجرى فیهم من ریح روحه فذلک المؤمن أخو المؤمن لأبیه و أمه فإذا أصاب روحاً من تلك الأرواح فی بلد من البلدان حزن، حزنه هذه لأنها منها: خداوند، مومنان را از خاک بهشت آفرید و از روح خود در آنان دمید، از این رو مومن با مومن، برادر پدر و مادری است پس هرگاه که به یکی از آنان در دیاری اندوهی برسد، دیگری هم در غم او اندوهگین می‌شود" (همان، ۱۶۶).

قال الامام الصادق (ع): "صدقۃ یحبها الله اصلاح بین الناس إذا تفاسدوا و تقارب بینهم إذا تباعدوا: ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد" (همان، ۲۹۹). همچنین امام صادق (ع) وحدت را اساساً فرمان خدا می‌داند: "تواصلوا و تباروا و تراحموا و کونوا إخوة أبراراً کما أمرکم الله عز و جل: همانگونه که خدای عزوجل به شما دستور داده، با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی کنید، و برادرانی نیکوکار باشید" (حر عاملی، ۱۰۳۳: ۵۵۲).

قالت فاطمة الزهراء (ع): "و طاعتنا نظاماً للملئ و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام: پیروی از ما اهل بیت سبب نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است" (ابی‌الفتح اربلی، ۱۴۰۳: ۱۰۹). در کلام امام رضا (ع) وحدت پایه دین معرفی شده است: "إن الإمامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین، ان الإمامة أس الإسلام النامی و فرعه السامی: امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مومنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است" (کلینی، پیشین: ۲۰۰).

۵- اندیشه‌های امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب در خصوص وحدت امت اسلامی

اهمیت وحدت و همبستگی میان مسلمانان از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز تاحدی عمیق بود که ایشان فاصله میان دوازدهم ربیع‌الاول که مصادف با ولادت پیامبر اکرم (ص) بنا بر روایات اهل سنت است تا هفدهم ربیع‌الاول که تاریخ ولادت حضرت رسول از دیدگاه روایات موجود در شیعه است را بعنوان هفته وحدت نام‌گذاری کردند و هنوز هم پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی این سنت شیرین و دیرین بخوبی میان اهل سنت و تشیع جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای منطقه، پاس داشته می‌شود. ایشان از دوستی و اخوت کیان علما و مشایخ سنی و شیعه سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید ما با اهل سنت برابر و برادریم و آنها با ما. همچنین ایشان توجه آحاد مردم را به این نکته فرا می‌خواند که عمال وابسته به قدرت‌های شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است که مسلمانان از آنها تبری کرده و به تبلیغات تفرقه‌افکن آنها در میان قلوب مسلمین گوش فرا ندهند.

مقام معظم رهبری نیز در همان سال‌های آغازین رهبری خود، موضوع وحدت را بسیار حیاتی و ضروری دانسته و در بسیاری از سخنرانی‌های خود به این امر تأکید فراوانی داشته‌اند. بطور مثال "من توصیه می‌کنم هفته وحدت را که به مناسبت میلاد نبی اکرم (ص) از روز دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول ادامه دارد، همه آحاد مردم، مخصوصاً علما، فضلا، گویندگان و دانشمندان و افراد صاحب نفوذ گرامی بدارند و این مسأله را بعنوان یک شعار جمهوری اسلامی همیشه نگه دارند. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرقی گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست". و یا در تیر ماه همان سال فرمودند: "حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است، مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.

ایشان همچنین به بحث وحدت حوزه و دانشگاه پرداخته و آن را اساسی‌ترین، پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین مسائل انقلاب می‌داند و اهمیت این انسجام را به طرق مختلف به مردم گوشزد کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: "وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در اهداف کلی، وحدت در کامل ساختن این ملت و این کشور و حرکت با یکدیگر و عبور در دو خط موازی، بدون اصطکاک با هم؛ یعنی هر دو کار خودشان را بکنند؛ اما برای یک هدف و آن هدف، ساختن و کامل کردن ملت و کشور ایران است. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی حرکت پایه‌پای علم و دین ... وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل حرکت کنند. این جامعه، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ و جامعه الگوست. جامعه‌ای که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عمل‌شان پیاده کنند و به جلو حرکت نمایند".

۶- دیدگاه شهید مطهری در راستای وحدت جامعه اسلامی

بدون شک آرزوی همه مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی سراسر دنیا چیزی نیست جز وحدت اسلامی و در این راه تلاش‌ها و مجاهدت‌های بسیاری کرده‌اند. آنچه در این میان، موضوع مهم پنداشته می‌شود آن است که اولاً مقصود از اتحاد اسلامی روشن باشد و هرکس مقصودی خاص و فردی نزد خود نداشته باشد، و ثانیاً راه رسیدن به اتحاد اسلامی به صراحت ارائه شود. پرواضح است که اکثر مشکلات جهان اسلام ناشی از تشتت و تفرقی است که میان ملل مسلمان وجود دارد که برای رفع این تفرقه و ایجاد اتحاد باید اقداماتی اساسی صورت پذیرد. نگاهی به آثار استاد فرزانه شهید مرتضی مطهری نشان می‌دهد که این موضوع از دغدغه‌های فکری مورد توجه آن مصلح متفکر بوده و نظرات موثری خصوصاً در اینکه مقصود از وحدت اسلامی چیست، ابراز داشته‌اند، و شاید نیمی از راه‌های پژوهشی به همین وسیله یعنی روشن شدن مفهوم «وحدت اسلامی» پیموده شود. بطور مثال در مقاله "الغدیر و وحدت اسلامی" ایشان اتحاد و همبستگی ملت‌ها و فرقه‌های اسلامی را از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای جامعه اسلامی می‌دانند. و بیان می‌کنند که باتوجه به اوضاع و احوال کنونی و تلاش دشمنان در دامن زدن به اختلافات کهن و اختراع اختلافات نوین میان سنی و شیعه، وحدت و اخوت اسلامی تنها راه مبارزه و نجات از این مهلکه است.

۱۷۳

۷- اندیشه‌های آیت‌اله شهید بهشتی در خصوص وحدت اسلامی

مجاهدت و تلاش‌های روزافزون شهید آیت‌اله بهشتی به منظور نزدیک‌تر کردن مبانی فکری و نظری علما و فقهای شیعه و سنی در راستای ارتقای تقریب اسلامی در جای خود مثال‌زدنی است؛ لذا از دیدگاه آن یار وفادار امام خمینی (ره)، بسیاری از اختلافات رایج در میان مسلمانان منبعت از جهل و ناآگاهی است. آن عالم مجاهد، تنها راه دستیابی به رشد و تعالی امت اسلامی را در ضرورت وحدت در میان مسلمانان و اجتناب از اختلاف و تفرقه می‌داند. واکاوی رفتار و گفتار شهید بهشتی نشان می‌دهد آن عالم شجاع، به مولفه وحدت نه بعنوان یک مساله معمول بلکه بعنوان یک نیاز مبرم می‌نگریست، از این‌رو نگاه خاص ایشان که با کادرسازی و ایجاد تشکیلات منظم توأم می‌شد در عمل به ایجاد شبکه‌های دوستانه و بردارانه با برادران اهل سنت تبدیل شد، لذا ایمان راسخ آیت‌اله بهشتی به مقوله وحدت، نه بعنوان تاکتیک بلکه در راستای تداوم حیات امت اسلامی قابل توجه است. احیای فرهنگ گفتگو و ارتقای همگرایی جهان اسلام، پرهیز از تفرقه و تأکید بر اشتراکات و احیاگری هویت اسلامی و افکار دینی در دوران معاصر، از جمله موارد موجود در نقشه راه شهید بهشتی در تقویت وحدت اسلامی بوده است. ادعای این موضوع که ایجاد دفتر تحکیم وحدت و نام-گذاری روز قدس از جمله تاثیرات مثبت و ماندگار این نقشه راه بوده است (داودی، ۱۳۸۱).

آثار اختلاف و از هم گسستگی مسلمانان

همانطور که در قسمت قبل به اهمیت داشتن وحدت و انسجام میان جوامع اسلامی و امت اسلام اشاره شد، در این بخش از پژوهش حاضر به عواقب و نتایج بسیار تلخ و ناگوار مادی و معنوی اختلاف اشاره می‌کنیم. امیرالمومنین علی (ع) نتیجه اختلاف را ذلت و خواری می‌داند و می‌فرماید: "... فانظروا إلی ما صاروا إلیه فی آخر أمورهم حین وقعت الفرقة و تشتت الألفه و اختلفت الكلمه و الأفئده و تشعبوا مختلفین و تفرقوا متحاربین قد خلع الله عنهم لباس کرامته و سلبهم غضاره نعمته و بقی قصص أخبارهم فیکم عبرا للمعتبرین: پس بنگرید به آخر کارشان «قوم بنی اسرائیل» آن هنگام که بین آنها تفرقه افتاد، و مهربانی و الفت‌ها بهم خورد و سخن‌ها و دل‌ها مختلف و گروه گروه شدند و به جان هم افتادند و پراکنده گشتند و با هم جنگیدند، پس خداوند، لباس عزت را از تن آنها برکند و فراوانی نعمت‌اش را از آنها گرفت و آنچه باقی مانده، سرگذشت آنان است تا مایه عبرت، عبرت گیرندگان باشد شود" (دستی، پیشین: ۱۹۲).

آن حضرت در جای دیگر شخص جدایی طلب را تنها و شکار شیطان معرفی می‌کند و امت اسلام را از اختلاف باز می‌دارد: "... فإن یدالله علی الجماعه و ایاکم و الفرقة فإن الشاذ من الناس للشیطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب: دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بپرهیزید، زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است همانگونه که گوسفند تکرو، طعمه گرگ است" (همان، ۱۱۲). همچنین ایشان، اختلاف را آفت اندیشه می‌داند "الْخلاف یهدم الرأی: اختلاف، بنیاد «اندیشه درست» را درهم می‌ریزد" (همان، ۲۱۵).

۱۷۴

پیامبر اکرم (ص) نیز نتیجه اختلاف را هلاکت قوم‌اش می‌داند و می‌فرماید: قال النبی (ص): "لا تختلفوا، فإن من کان قبلكم اختلفوا فهلکوا: اختلاف نکنید، آنانکه قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند" (علی بن حسام، پیشین: ۸۹۴). و در جای دیگر اختلاف را عین گسستگی از اسلام می‌داند و می‌فرماید: "من فارق الجماعه شبرا خلع الله ربه الإسلام من عنقه: هرکس یک وجب از جامعه مسلمین دور شود خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند" (کلینی، پیشین: ۴۰۴).

همچنین پیامبر اکرم در جای دیگر امت خویش را از اختلاف و برتری نژادی برحذر می‌دارد و می‌فرماید: "یا ایها الناس، إن الرب واحد و الاب واحد و إن الدین واحد لیست العربیه لأحدکم باب و لا أم و إنما هی اللسان فمن تعلم العربیه فهو عربی: ای مردم، پروردگار شما یکی است «الله»، پدر همه شما یکی است «آدم»، و دین همه یکی است «اسلام»، و عربیت، پدر و مادر هیچ یک از شما نیست، بلکه آن هم یکی از زبان‌هاست و هرکس زبان عربی را بیاموزد، عربی است".

جدایی طلبی و اختلاف تا آنجا خطرناک و مهلک است که حضرت رسول آن را مردن در حالت جهالت می‌داند و می‌فرماید: "من فارق الجماعه مات میتة جاهلیة: هرکس از گروه مسلمانان جدا شود بر مرگ جاهلیت میرد" (دستی، پیشین: ۲۸۵۵).

امام صادق (ع) برای درک بهتر امت خویش از نتایج ناگوار اختلاف و جدایی‌طلبی، تشبیهی ملموس به زبان می‌آورد: "من فارق جماعة المسلمین و نکث صفقه الامام جاء إلى الله أجذم: هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد" (کلینی، پیشین: ۴۰۵). در ادامه بررسی آثار اختلاف و عدم وحدت میان امت مسلمان به بررسی ۱۲ پیامد تفرقه و اختلاف در جهان اسلام از دیدگاه اندیشه و کلام حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب می‌پردازیم:

۱- بی‌توجهی به اصل دین

منادی تفرقه و اختلاف، به مخالفت با اسلام دست زده است؛ چرا که قرآن مجید ما مسلمانان را به وحدت و وفاق دعوت کرده و می‌فرماید: "وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا: همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید." همچنین یکی از اهداف بلند و عالی رسول خدا (ص) ایجاد وحدت بین تمام انسان‌ها بود که با پذیرش اسلام و موحد شدن، محقق می‌شود.

امام خمینی (ره) بیان می‌داشتند: "پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید ... قرار دهد." بنابراین، کسانی که بر طبل تفرقه می‌کوبند، در مقام عمل با آن حضرت مخالفت کرده‌اند، در حالیکه همگان موظف به تبعیت از حکم خدا و سیره و سنت پیامبر اسلام (ص) هستند.

۱۷۵

۲- نابودی خدمات و زحمات پیامبران الهی

پیامبران الهی اساسی‌ترین عامل وحدت و همدلی بوده‌اند، لذا باید اختلاف افکنان را افرادی تلقی کرد که در مقابل انبیای الهی و خدمات‌های گرانبهایی که در این زمینه متحمل شده‌اند، صف کشیده‌اند. امام راحل (ره) می‌گویند: "آن روزی که این وحدت از بین رود، مرگ همه ما و به باد رفتن همه نوامیس و به باد رفتن همه زحمت‌های انبیاء (ع) نسبت به این کشور خودمان و نسبت به کشورهای دیگر است."

۳- ریشه گرفتاری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها

مشکلات جهان اسلام و عقب‌ماندگی‌های این کشورهای اسلامی ریشه در عدم اتحاد و اختلافاتی دارد که بین آنها به وجود آمده است. امام خمینی (ره) تصریح می‌کنند: "رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و ... تفرقه و جدایی و گروه‌گرایی ... اساس همه بدبختی‌ها و عقب‌افتادگی‌هاست."

۴- سلطه سیاسی و به یغما رفتن ذخایر ارضی و منابع مالی

افول تمدن‌های اسلامی در بعد مادی و معنوی و سلطه بیگانگان بر آنها، در پی اختلافاتی که جهانخواران بین مسلمانان افکندند، به وجود آمد و از این رهگذر ذخایر ارضی و منابع مالی این کشورها مورد غارت و چپاول قرار گرفت. امام خمینی (ره) بیان داشتند: "تمدن مسلمان‌ها فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته‌ترین رجال بودند؛ توسعه مملکت‌شان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومت‌شان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند." همچنین اظهار داشتند: "قدرت‌های جهانخوار شرق و غرب ... به ... اختلافات دامن می‌زنند تا بر مقدرات مسلمانان جهان مسلط و بر آنها حکومت نموده و ذخایر بی‌پایان آنان را چپاول نمایند" (بی‌نا، ۱۳۸۱).

۵- ضعف و سستی نیروها

اختلاف و دودستگی و صرف نیروها برای دستیابی به اهداف تفرقه‌آمیز، باعث فراموشی اهداف اصلی و ناتوانی در رسیدن به آنها می‌شود. قرآن مجید می‌فرماید: "و لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْکُمْ؛ ای مؤمنین! در میان خود با یکدیگر جدال و کشمکش نکنید که در نتیجه، نیروهایتان از دست می‌رود و کم قدرت می‌شوید." این آیه شریفه منحصر به گروه و محدوده خاصی نمی‌شود و جهان اسلام را فرا می‌گیرد. بطور واضح مشاهده می‌کنیم مسلمانانی که به تضعیف یکدیگر می‌پردازند، به اهداف اصلی خود توجه نداشته یا کمتر توجه می‌کنند؛ چرا که بسیاری از توانایی‌هایشان در اختلافاتی که با هم دارند، هدر می‌رود.

۱۷۶

۶- شادی زیاد دشمنان اسلام

اگر هر کشور اسلامی به فکر منافع سیاسی و اقتصادی خود باشد و به منافع دیگر جمعیت‌ها و کشورها توجهی نکند و آنها را در گرفتاری‌ها رها سازد، دولت‌های زورگو و سلطه‌خواه که نسبت به مسلمین هیچ احساس مثبتی ندارند، به فکر حذف و هضم آنها می‌افتند و به راحتی نقشه پلید خود را به اجرا می‌گذارند. رهبر انقلاب بیان می‌کنند: "مجموعه پیروان مکتب اهل بیت (ع) در هر جای دنیا که هستند، با همه وجود باور کنند که جزئی از عائله بزرگ مسلمین‌اند؛ نه به زبان؛ بلکه با همه احساس. اگر غیر از این باشد، دشمنان اسلام و اهل بیت (ع)، حداکثر خشنودی و خوشحالی را پیدا خواهند کرد."

فرمایش ایشان را به مسلمانان سایر مذاهب اربعه (مذاهب اهل سنت) نیز می‌توان سرایت داد. واقعیت‌های خارجی نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ یعنی برای کشورهای جنایتکار مانند آمریکا، منابع و ذخایر مسلمان‌ها اهمیت دارد و برای آنها فرقی نمی‌کند که ساکنان کشورها حنفی مذهب باشند یا شیعی یا شافعی.

۷- تقابل تفرقه با عزت اسلام

لازمه شکوه و عظمت اسلام، همدلی و هم‌آوایی در نیل به اهداف اصلی است. بدیهی است که در چنین مقصد بلندی، تفرقه جایگاهی ندارد. رهبر انقلاب می‌گویند: "اگر ما برای سربلندی و عظمت و عزت اسلام و قرآن مجاهده می‌کنیم، این با اختلاف و درگیری بین مسلمین سازگار نیست."

۸- غفلت مسلمانان از نابودی اسرائیل غاصب

وقتی تفرقه حاکم باشد، مسلمانان نمی‌توانند حتی از عهده کسانی که به کشورشان تجاوز کنند، برآیند، چه رسد به کسانی که (مانند رژیم صهیونیستی) به دیگر کشورهای مسلمان (فلسطین) تجاوز می‌کنند. امام خمینی (ره) بیان می‌کنند: "اگر ... در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنند ... دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند. دیگر هندو به کشمیر طمع نمی‌کند. این طمع‌ورزی‌ها برای این است که نمی‌گذارند شما متحد بشوید." رهبر انقلاب نیز اظهار می‌دارند: "منشأ بسیاری از این مشکلات که یکی از آنها همین قضیه فلسطین است. یکی از آنها همین قضیه دولت جعلی صهیونیست است، قدرتمندان عالم‌اند. دشمن می‌داند که متمرکز خواهیم شد و همه امت اسلامی و همه نیروها را در این راه بکار خواهیم برد تا با این تجاوز آشکاری که دارد صورت می‌گیرد، مقابله کنیم، لذا نمی‌گذارد دل‌ها به هم نزدیک شود" (فلاح‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۱۷۷

۹- بزرگ‌ترین وسیله نفوذ و توانمندی دشمن

وقتی چند نیرو در یک راستا حرکت کنند، انرژی مضاعفی تولید می‌گردد. به تناسب افزایش شمار نیروها، انرژی‌های حاصله نیز اضافه می‌شوند. تصور کنید اگر این نیروها به رقم یک میلیارد و نیم برسد، چه قدرتی با این تعداد ایجاد می‌شود؟ آیا کسی می‌تواند مانعی در مقابل آن ایجاد کند؟ چنانچه جهان اسلام که تقریباً همین تعداد جمعیت دارد، ید واحدی بشوند، به هر خیر و مصلحتی در پرتو عنایات الهی می‌رسند؛ ولی اگر متفرق شوند و بین آنان درگیری به وجود آید، راه نفوذ بیگانگان بسیار هموار می‌شود و به نوعی اسباب تقویت دشمن را فراهم می‌کنند.

رهبر انقلاب تصریح می‌کنند: "تفرقه و اختلاف ... بزرگ‌ترین وسیله نفوذ دشمنان اسلام است. بایستی ملت-های منطقه و فرقه‌های اسلامی و پیروان دین‌های مختلف در لبنان و در همه کشورهای اسلامی باید دست اتحاد به یکدیگر دهند و نگذارند تفرقه آنان موجب قوت دشمن شود."

۱۰- محروم کردن مسلمانان از دانش و فناوری روز

کشورهای سلطه‌طلب که منافع مادی خود را در تعارض با حرکت‌های اصلاح‌گرانه مسلمان‌ها که حاوی پیام‌های وحدت‌بخش است، دیده‌اند، با تمامی قوا به سرکوب آزادی‌خواهان پرداخته‌اند و با نصب حکام دست‌نشانده، منابع طبیعی و ذخایر ارضی مسلمانان را به تاراج برده‌اند و از این طریق ضربات مهلکی را بر سیستم اقتصادی مسلمانان وارد نموده‌اند. در نتیجه، مسلمان‌ها دچار ضعف گشته و تمام هم و غم خود را صرف نیازهای ضروری و اولیه خود کرده و نتوانسته‌اند در میدان علم و دانش پیشرفت چشمگیری داشته باشند، لذا بعنوان کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده معرفی شده‌اند.

رهبر انقلاب گفتند: "سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه در کشورهای اسلامی در قرن گذشته و پیشروی استعمارگران در سلطه‌گری بر این کشورها و ایجاد یا تقویت حکومت‌های مستبد در آنها و غارت منابع طبیعی و نابودسازی منابع انسانی آنها و در نتیجه، عقب‌نگه داشتن ملت‌های مسلمان از قافله دانش و فناوری، همه در سایه تفرقه و بیگانگی که در مواردی به دشمنی و ستیز و برادرکشی می‌رسد، پدید آمده است."

۱۷۸

۱۱- نابودی مسلمانان به دست خودشان

یکی از اهداف مهم استکبار جهانی در تفرقه‌اندازی بین مسلمانان، ایجاد جنگ بین آنها به دست خودشان است تا بتواند راحت‌تر به منافع سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها دست پیدا کند. رهبر معظم انقلاب بیان داشتند: "دشمنان اسلام ... برای شقه شقه کردن و شکاف ایجاد کردن چه می‌کنند! چقدر خرج می‌کنند برای اینکه مسلمانان را در مقابل هم قرار بدهند. یکی از اهداف مسلم این حوادث خونینی که ... نمونه‌های فراوان آن در پاکستان و در نقاط دیگر اتفاق می‌افتد، این است که جمع مسلمانی به صورت ترور کور نابود می‌شوند، از بین می‌روند، یا مجروح و مقطوع‌العضو می‌شوند. بخش مهمی از این کار، مربوط به همین ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است."

۱۲- از دست دادن آبرو و هویت اسلامی

مقام معظم رهبری یکی دیگر از پیامدهای تفرقه بین مسلمین را از دست دادن آبرو دانسته و اظهار می‌دارند: "قرآن ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و همبستگی خودتان را از دست بدهید، آبرو و هویت و قدرت شما نابود خواهد شد." این فرمایش رهبر انقلاب، اشاره به آیه ۴۶ سوره

انفال است که می‌فرماید: "وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: و اطاعت کنید از خدا و رسول‌اش و در میان خود با یکدیگر جدال و کشمکش نکنید که در نتیجه، نیروهایتان از دست می‌رود و کم قدرت می‌شوید و صبر پیشه کنید که خداوند با صبرکنندگان است."

نتیجه‌گیری

باتوجه به هرآنچه که تاکنون در این پژوهش در خصوص راهکارهای حفظ و تحکیم وحدت و نتایج و پیامدهای از دست رفتن وحدت و اتحاد مسلمین به قلم آمدند، این پرسش مطرح است که مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود، و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟

حقیقت کلام این است که مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی^{۱۷۹} است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

براساس آنچه از سیره گفتار و عملی ائمه معصومین (ع) مطرح گردید، می‌توان به این نتیجه رسید که برقراری وحدت در بین امت اسلامی یکی از کارویژه‌های مهم دین مبین اسلام می‌باشد که همه ائمه معصومین به این مسئله بعنوان یکی از ماموریت‌های اصلی خود اهتمام ویژه‌ای داشتند. حتی در جهت برپایی وحدت و یا حفظ وحدت اسلامی از بسیاری از حقوق مسلم خود گذشتند و صاحبان فرق و عالمان و فقهای دینی دیگر مذاهب اعم اسلام و ادیان دیگر را با آغوش باز می‌پذیرفتند.

با در نظر گرفتن این اصل است که می‌توان با تمسک به سیره گفتاری و عملی اهل بیت (ع) میان علمای شیعه و سنی و دیگر فرق رابطه و تعامل برقرار کرد و با پیروی از ایشان، کرسی‌های علمی را همراه با رعایت اصول اخلاقی و با معیار حق و انصاف و لحاظ مصالح همه مسلمین دایر کرده، به تبادل علمی بپردازند و در نتیجه این روابط، انسجام اسلامی میان پیروان دین پیامبر اسلام (ص) آنچنان استوار گردد که دسیسه‌های کفار نتواند آن را متزلزل سازد. اتحاد اسلامی یک خیال و رویای غیرعملی نیست، اندکی تلاش و تیزهوشی

در برابر نقشه‌های تفرقه‌افکنی دشمن ما را به این مقصود می‌رساند. امید است با تحقق کامل این هدف مقدس، شاهد عظمت و اقتدار جهان اسلام باشیم.

در پایان و به منظور در اختیار گذاشتن تجربیات پژوهشی بدست آمده در تحقیق حاضر و با هدف اشاعه موضوع وحدت و انسجام اسلامی در زمینه‌های مختلف و بررسی نتایج و پیامدهای آن، پیشنهاد می‌گردد که آثار و نتایج همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی که بطور خلاصه در این مطالعه به آن اشاره گردید، توسط سایر محققین و در تحقیق‌های آینده حتما مورد کاوش و بحث و بررسی دقیق‌تری قرار گیرد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابی‌الفتح اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (۱۴۰۳)، **کشف الغمه**، بیروت: دارالاضواء.
- ۳- بخشی، معصومه (۱۳۹۱)، «عوامل وحدت و انسجام در قرآن و حدیث»، **پایگاه اطلاع‌رسانی جستار**.
- ۴- بی‌نا (۱۳۸۱)، «هفته وحدت»، **پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه**، **مجله گلبرگ**، ش ۲۹.
- ۵- بی‌نا (۱۳۸۴)، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی (دیدگاه‌ها، عوامل تقویت، تهدیدها و راهکارها)»، **پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه**، **مجله حصون**، ش ۶.
- ۶- بی‌نا (۱۳۹۵)، «دین و اندیشه، آئین‌ها و تشکل‌های مذهبی»، **خبرگزاری مهر**.
- ۷- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۰۳۳)، **وسایل الشیعه**، قم: انتشارات آل‌البیت.
- ۸- داودی، فاطمه زهرا (۱۳۸۱)، **اهل بیت در کتاب و سنت**، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ۹- دشتی، محمد (۱۳۸۶)، **نهج البلاغه**، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- ۱۰- عبدالله، محمد (۱۳۲۴)، **نهج الفصاحه**، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۱۱- علی بن حسام، علاءالدین (۹۷۷)، **کنز الاعمال**، مترجم: احسان‌اله شایق صاحب، بغداد: دار الاشاعت.
- ۱۲- فلاح‌زاده، محمدحسین (۱۳۸۵)، «چهل حدیث وحدت»، **پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه**، **گنجینه معارف**.
- ۱۳- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، **بحار الانوار**، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج).
- ۱۵- مفید، محمدبن نعمان (۴۱۱)، **الامالی**، مترجم: حسین استاد ولی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۶- هاشمی، سید حامد و پور امین‌زاد، سعیده (۱۳۹۰)، «چالش‌های فراروی توسعه منابع انسانی و راهکاری برای رفع آن»، **مجله کار و جامعه**.